

@atorabanorg

# بهار شب سوری و جشن نزول فروهرها

کفتاری از دکتر فرهاد آبادانی

از انتشارات دانشگاه پهلوی شیراز

گردآوری نسخه (pdf): حمیدرضا میرزاخانی

## بنام اهورا مزداى توانا

### چهارشنبه سوری و جشن نزول فروهرها

یکی از مراسم باستانی مربوط به جشن نوروز، آتش افروزی‌های شب چهارشنبه آخر سال است که از دیر زمانی، از نیاکان بافروجاه ما بر جای مانده است. این جشن در دهات و قصبات با همان تشریفات روز گاران کهن برپای می‌شود.

آئین پیادداشتن چهارشنبه سوری یا شب چهارشنبه آخر سال، تقریباً در میان تمام مردم ایران مشترک است و این آئین آتش افروزی است که از کرمان تا آذربایجان و از خراسان تا خوزستان و از گیلان تا فارس و خلاصه در تمام نقاط این مرز و بوم کهن، برپا داشته می‌شود. آئین‌های دیگری نیز در این شب برپا داشته می‌شود - از قبیل کوزه شکنش و آجیل مشکل گشا و فال گوش و گره گشائی و دفع چشم زخم و بخت گشائی و فال گرفتن با بولونی (= کوزه) و غیره - که چون خارج از موضوع انتخابی اینجانب است، از ذکر آن‌ها خودداری می‌گردد. درباره پیادداشتن آئین جشن چهارشنبه سوری، روایات مختلف ذکر شده است از جمله اینکه چون شب چهارشنبه آخر سال به نحوست در احادیث یاد شده و آتش نماینده فروغ یزدانی و پاک کننده هر پلیدی است، از این جهت آتش می‌افروزند که تمام نحوست و پلیدیها را از میان برده پاک کنند. لذا با پیروی از همین شیوه کهن و بدون آنکه بدانند این جشن از کجا آمده است، فقط از روی تقلید از روش گذشتگان، آتش می‌افروزند و با افروختن آتش زن و مرد و پیر و جوان، از روی آن می‌برند و در هنگام عبور از روی آتش این جمله را بزبان می‌رانند و می‌گویند:

« زردی من از تو و سرخی توا من ». همانطور که میدانیم، در ایران باستان

هفته نبوده است، بلکه هر ماه سی روز داشته که هر روزی بنام یکی از ایزدان خوانده می شده است. سال نیز دوازده ماه داشته که بنام یکی از روزهای ماه نامگذاری میشده است. هر گاه نام روز با نام ماه برابر می افتاد آن روز را جشن می گرفتند، مانند جشن مهرگان که در روز مهر از ماه مهر و یا جشن فروردگان که در روز فروردین از ماه فروردین بوده است. بموجب تقویم ایران باستان سال ۳۶۰ روز میشده ولی برای اینکه سال ۳۶۵ روز باشد، پنج روز آخر سال را بنام « پنجه وه » و هر روزی را بنام یکی از گاتهای پنجگانه نامگذاری کرده بودند بدین ترتیب:

- ۱- اهنودگاه Ahunavaéti
- ۲- اشتودگاه Ustavaéti
- ۳- سپتمدگاه Spentá Maénio
- ۴- وهوخشترگاه Vohú-Xsathsa
- ۵- وهیشوعشگاه Vahéto-ésti

چون مدت سال شمسی سیصد و شصت و پنج روز و یک ربع روز است، لازم می آمد که این ربع هارا جمع نموده و در هر چهار سال یکروز بسال بیفزایند و این روز را آورداد Avardad نام می گذاشتند. در دنیکرد آمده است که: « در هر چهل سال ده روز و یا در هر صد و بیست سال یک ماه تمام افزوده شود... اما در دین نیک مزد یسنا خبر داده شده که این بهیزک (کیسه) پیش از کامل شدن یک ماه تمام نباید گرفته شود. » (۱)

در روزگاران قدیم پیدا است که بعد از هر یکصد و بیست سال، یکماه را بسال اضافه مینمودند و آن سال دارای سیزده ماه بود تا دوباره نوروز بجای اصلی خود برگردد. در این پنجروز آخر سال که بنام « پنجه وه » خوانده میشده مصادف با ششمین یا آخرین گهنبار بود که بنام همسپت میدیوم Hamaspath maedaya خوانده میشد.

---

۱- دینکرد - چاپ سنجانا - جلد نهم - صفحه ۵۶۲-۵۶۸



اینک بطور اختصار از شش گهنبار که جشن های بزرگ مذهبی در ایران باستان بوده اند، گفتگو میکنیم

### گهنبار چیست؟

کلمه گهنبار یا گاهنبار، که در پهلوی گاس انبار شده است، جزء اول آن (گاه) بمعنی وقت است. اما در باره جزء دوم آن سخن ها گفته اند و اشتقاقهای دور و دراز ساخته اند. احتمالاً باید اصل این کلمه گاهان بار بوده باشد که جزء اول (گاه) بمعنی « وقت » و « بار » بمعنی دفعه و نوبت یا « باره » بمعنی بخش و پاره و قسمت و الف و نون در این کلمه نظیر الف و نون در سحر گاهان و صبحگاهان و بامدادان و امثال آنها علامت جمع است و بهر صورت کلمه گاهانبار که در تخفیف گاهنبار و گهنبار شده بمعنی چند گاه و چند نوبت است که در آنها آفرینش جهان بعقیده مزدیسنا پایان رسیده.

گهنبارشش تا است و برای هر کدام پنج روز جشن میگیرند که روز پنجم از همه مهمتر و چهار روز اول بمنزله مقدمات آن روز است.

این رأی که جهان و موجودات آسمان و زمین در شش گاه آفریده شده عیناً در دیانت اسلام و قرآن مجید آمده است که: **ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام (۱)**. - اسامی گهنبار و ایام آنها را بیرونی در آثار الباقیه آورده اما نسخه چاپی بی تحریف نیست و درست آنها بشرح زیر است:

گهنبار اول - در چهل و پنجمین روز سال در اردی بهشت ماه بنام میدیوزرم **«Maidyu - Zarem»** است در این گهنبار آسمان آفریده شده است. این واژه بمعنی میان بهار است، هنگامی که زمین سبز و خرم است و گیاهها شیره میگیرند.

گهنبار دوم - در صد و پنجمین روز سال در ماه تیر که نام میدیوشهم **Maidyu Sahem** نامگذاری شده است در این گهنبار آب آفریده شده. این واژه یعنی میان تابستان هنگامی که علفها درو میشوند.

---

(۱) - سوره اعراف آیه ۵۲

گه‌نبار سوم - در صد و هشتاد و نهمین روز سال و در شهریور ماه است که بنام پشیتی شهرم Paity Sahem خوانده می‌شود و در این گه‌نبار زمین آفریده شده است. این واژه یعنی دانه آو و آن هنگامی اراده شده است که گندم رسیده و خرمن بدست می‌آید. در آثار الباقیه (فیشهم) نوشته‌اند.

گه‌نبار چهارم - در دویست و دهمین روز سال و در مهر ماه است و نامش ایاثرم گاه Aya-tharemi است. در این گه‌نبار نباتات و درختها خلق شده‌اند. این کلمه یعنی برگشت و آن هنگامی اراده شده که چوپان گله خود را برای پیش آمدن زمستان از چراگاه تابستانی بخانه برمیگرداند. (هنگام جفت گیری)

گه‌نبار پنجم - در دویست و نود و نهمین روز سال است و در دی ماه واقع شده و نامش میدیارم Maidhyairya است. در این گه‌نبار بهائم آفریده شده‌اند. کلمه با صفت سرد همراه است. در آثار الباقیه (میدیاریم گاه) نوشته شده.

گه‌نبار ششم - در سیصد و شصت و پنجمین روز سال واقع شده و در آخرین روز یعنی (اندرگاه) و (هیش‌تواش). و نام این گه‌نبار همس پسمیدیم گاه - Hamaspath maideya در این گه‌نبار انسان آفریده شده است. و محترم‌ترین روز سال است. معنی این کلمه رانیر یوسنگ در سانسکریت به (خلقت همه گروهان) گرفته است. دانشمند دیگر پارسی کانگا Kanga آنرا بمعنی اعتدال و مساوات میان گرمی و سردی و تقسیم مدت ۲۴ ساعت شبانه روز بدو قسمت مساوی و یا بعبارت دیگر مساوی شدن روز و شب گرفته است.

این جشن‌ها بفاصله‌های غیرمتساوی از هم دیگر برگزار می‌شدند و هر کدام پنج روز بطول می‌انجامید. در کتاب دینی یهود (توراة) در سفر پیدایش آمده است که خداوند جهان خلقت و آنچه در آن است مانند آسمانها و خورشید و ماه و آب و گیاه و روشنایی و ستارگان و جانوران و انسان و غیره را در شش روز بیافرید و در هفتمین روز از کار جهان آفرینش بی‌سود و در مزدیسنا نیز اهورا مزدا، جهان آفرینش و آنچه در آن است بمدت شش جشن گه‌نبار بیافرید. کتاب پهلوی بندهشن

فصل ۲۵ که درباره تقویم مزدیسنا سخن به میان است، آمده است که: «آفرینش جهان ازمن (اهورامزدا) در مدت سیصد و شصت و پنج روز که شش گهنبارسال باشد، انجام گرفت»

گفتیم که در پنجروز آخر سال یعنی پنجروز اضافی، گهنباره پنجه وه باشد. این گهنبار از دیگر گهنبارهای پنجگانه این مزیت را دارد که در این جشن خداوند مردم را بیافرید. در این پنجروز و پنجروز پیش از آن زرتشتیان، خانمان را میآراستند و بیابك و تمیز کردن جا و مکان میپرداختند - زیرا معتقد بودند که فروهرهای پاکان و نامداران و درگذشتگان خانواده، بروی زمین باز میگردند و برای سرکشی بخانواده ها میآیند و از دینداری و پرهیزکاری و داد و دهش بازماندگان خشنود میشوند و از درگاه خداوند خوشی و تندرستی برای ایشان درخواست مینمایند.

ابوریحان بیرونی نیز در خصوص این جشن آخرین گهنبارسال مینویسد که: «این عید ده روز طول میکشیده، آخرین پنجروز اسفندماه را نخستین فروردگان و پنجه وه را دومین فروردگان میگفته اند.» آنچه از نوشته مورخین بدست میآید این است که این جشن ده روز بوده است و از باب احترام باین جشن نوشته اند که خسرو انوشیروان، در مدت ده روز جشن فروردگان، سفیر امپراطور روم ژوستینین Justinian را بحضور پذیرفت، زیرا مشغول بجای آوردن اعمال جشن بود.

آنچه ابو عثمان جاحظ در کتاب معروف خویش بنام «المحاسن والاضداد» و ابوریحان بیرونی در کتاب «آثار الباقیه» نوشته اند، قابل استفاده است. این دو دانشمند بواسطه قدمت زمان و نزدیک بودنشان بروز گارسانیان، آنچه درباره نوروز و مهرگان و فروردگان و سایر مراسم مذهبی پیش از اسلام نوشته اند، دقیق تر از نوشته مورخین بعد از خودشان است. ابوریحان باز درباره جشن فروردگان مینویسد که: «در اوقات فروردگان در اطاق مرده و بالای بام خانه در فارس و خوارزم برای پذیرایی از ارواح غذا میگذارند و بوی خوش بخور میکنند.» این مراسم امروز نیز کم و بیش در بعضی از نقاط یزد و کرمان برپا داشته میشود. گذشته



از آنکه نخستین ماه سال با سم فروهر است، نوزدهمین روز هر ماه نیز به نگهبانی این فرشته سپرده شده است.

فروردین روز در فروردین ماه موسوم است به فروردگان و این روز خود جشنی است که بیاد گذشتگان برپا میشود و بیشتر بخواندن اوستا و اجراء بعضی مراسم دینی دیگر برگزار میشود. در روز آخر پنجشنبه که سیصد و شصت و پنجمین روز از سال باشد و آخرین روز گهنبار، جشن مفصلی بوده است و شب آخرین روز که فردا صبح آن نوروز بوده است، بر پشت بامها آتش میافروختند و آمدن سال نور را بدهات اطراف و مردم دور و نزدیک خبر میدادند. همین آتش است که بعدها در میان زرتشتیان، در قرون اول اسلامی روشن میشده است، کما اینکه این رسم امروز هم در میان زرتشتیان در یزد و کرمان اجرا میشود. در یکی از سالهای روزگاران عباسیان، چون روز چهارشنبه نوروز بوده و در شب پیش از آن که شب چهارشنبه باشد زرتشتیان در پشت بام آتش افروختند و آمدن نوروز را بدیگران خبر دادند این رسم کم کم در میان ایرانیان غیر زرتشتی نیز باقی ماند و چون ایرانیان غیر زرتشتی روزهای هفته را بجای اسامی روزهای ایران کهن بکار میبردند و این واقعه نیز یکبار در شب چهارشنبه اتفاق افتاده بود، در سالهای بعد نیز در همان شب چهارشنبه این رسم را معمول داشتند و کم کم این رسم در ایران برجای ماند و تا با امروز نیز کشیده شده است. اینکه گفتیم در روزگار عباسیان، از آن جهت است که خلفای عباسی مانند هارون الرشید و وزیرای ایرانی آنها، از خاندان برمک بودند که بآداب و رسوم ایران پیش از اسلام توجه مخصوص داشتند که از آن جمله همین آتش افروزی نوروزی بود که مردم در شب نوروز آتشهایی میافروختند و گرد آن شادی و جست و خیز میکردند. این رسم بعدها باقیماند و در روزگار عباسی، در بغداد متداول گردید و بعدها آتش افروزی چهارشنبه سوری از همین جا بیادگار مانده است.

#### اعمال فروهرها

در این باره استاد پورداد مینویسد: عملیات فروهرها منحصر به عالم مادی

جهان خاکی نیست، عالم بالا و مینوی نیز از یاری فروهرهایی نیاز نیست چون هریک از آفریدگان خرد و بزرگ اهورامزدا را خواه معنوی و خواه مادی فروهری است. ناگزیر قوه محرکه در دست این روح ایزدی سپرده شده است. اگر یاری فروهرهای پاکان نبود هر آینه، نه گیتی پایدار ماندی و نه انسان و نه ستور - سراسر جهان گرفتار جنگال دیو دروغ میشدی - از پرتو فروهرهاست که زن به نعمت فرزندان رسد و بآسانی وضع حمل کند - از پرتو فروهرهاست که مرد فصیح زبان گردد - از پرتو فروهرهاست که آفتاب و ماه و ستارگان راه خود پیمایند - در آغاز آفرینش مدت زمانی آفتاب و ماه و ستارگان و فروغ بی پایان (انیران) و آب و گیاه هریک در جان خویش غیر متحرک بودند - از پرتو فروهرهای پاکان است که کواکب به جنبش درآمد - راه سیریش گرفتند و آب روان گردید و گیاه بالیدن آغاز نمود و بطرف باغ و بستان بخرامید - فروهرها در قوه و قدرت باهم مساوی نیستند - فروهرهای نخستین آموزگاران دین، قوی ترین شمرده شده اند و پس از آن فروهرهایی که هنوز بقالب جسمانی در نیامده و آن فروهرهای سوشیانس هائی است که از ظهور خویش بجهان، جان نودمند - فروهرهای مقدسین زنده قوی تر اند تا فروهرهای مقدسین مرده ها. معمولاً بفروهر نخستین بشر، کیومرث، درود فرستاده میشود تا به آخرین سوشیانت موعود مزدیسنا که آخرین آفریده اهوراست.

بوژه در میدانهای جنگ از فروهرها یاری طلب میشود - فتح و پیروزی با امیر و شهر یاری است که بیشتر فروهرها را از داد و دهش خویش خوشنود میکند - ملت دلیر ایران، از فروهرهای نامداران ویلان خویش باید استفاده کند و شکست لشکر دشمن را از آنها بخواهد. فروهرها خود نیز دلیرانه خود بر سر گذاشته و سپر بدوش انداخته و خنجر بمیان بسته بهمراهی ایزدمهر و ایزد رشن و ایزد باد صفوف لشکر دشمن، دیویسنارا از چپ و راست درهم میشکنند. (۱)

در کلیه مصائب و سختی ها و در ناخوشی ها و بیم و هراس باید از فروهرهای

(۱) - یشت ها - جلد اول - صفحه ۵۹۴ - ۵۹۶



نیکان یاد نمود - یاوری و دستگیری آنها را خواستار شد. فروهر هر يك از نامداران برای رفع بلاي مخصوصی خوانده میشود مثلاً فروهر جمشید بضد فقر و خشکسالی، فروهر فریدون برای رفع تب و ناخوشی، فروهر گرشاسب بضد دشمن و دزد و غیره. اساساً چون فروهر مقدس است از این رو بمعوم آنها درود فرستاده میشود. از فروهرهای نخستین پیشوایان دین و نخستین رزمیان و نخستین کشاورزان و خانوادۀ و قبیله و ده و ناحیه و کشور - خواه آریائی و خواه غیر آریائی - یاد شده - نسبت به هر يك تعظیم و تکریم میشود - نظام عالم بدست فروهرها سپرده شده است، آنچه بوده و هست و خواهد بود - بی نیاز از پاسبانی فروهرها نیست (۱)

با پیروی از همین عقیده است که تابحال ایرانیان این رسم کهن را از دست نداده و آنرا برپای میدارند - اما همانطور که عرض شد عده زیادی از مردم ایران، از جگونگی این جشن اطلاع نداشتند و فقط از روی تقلید از روش پیشینگان آنرا برپا میداشته و تا با امروز نیز کشیده شده است.

آداب و رسوم دیگری مانند فال گوش و گره گشائی و کوزه شکستن و غیره هم با جشن چهارشنبه سوری، انجام میشود، پیداست که این آداب و رسوم، بعداً و بتدریج، با آداب و رسوم این جشن، افزوده شده است.

امید است که این رسم کهن که از یادگارهای ایران باستان و نموداری است از ذوق و خوش بینی و امید بزندگانی، برای قرنهای دراز بر سایه شاهنشاه دادگستر و روشن بین ما باقی و پایدار بماند. پاینده ایران، زنده باد شاهنشاه ایران

« پایان »

کتابی که در نوشتن مقاله « چهارشنبه سوری و جشن نزول فروهرها » از آنها استفاده شده است:

- ۱- بشتهها، تفسیر و تألیف استادپورداد - جلد اول و دوم - بمبئی ۱۳۰۷ و ۱۳۱۰ شمسی
- ۲- گاتنها، ترجمه و تألیف      و      بمبئی - سال ۱۳۰۵ شمسی
- ۳- یسنا،      و      جلد اول - بمبئی - ۱۳۱۲ شمسی
- ۴- یسنا،      و      جلد دوم - تهران - ۱۳۲۷ شمسی
- ۵- ویسپرد،      و      جلد اول - تهران - ۱۳۴۳ شمسی
- ۶- گاتنها، چاپ دوم - بمبئی - آبان ماه ۱۳۲۹ شمسی
- ۷- فرهنگ ایران باستان - تهران - مرداد ماه ۱۳۲۶ شمسی
- ۸- هرمزدنامه - تهران - دی ماه ۱۳۳۱ شمسی
- ۹- آناهیتا - تهران - ۱۳۴۳ شمسی
- ۱۰- مزدیستا و تأثیر آن در ادبیات فارسی - دکتر محمد معین - تهران - ۱۳۲۶ شمسی
- ۱۱- جشن های باستانی ایران - گردآورده علی خورشیدمانی - تهران - ۱۳۴۲ شمسی
- ۱۲- چهارشنبه سوری - مقاله - بقلم استاد فقید سعید نفیسی - مجله مهر - سال اول
- ۱۳- جشن های ایران باستان - سرگرد اورنگ - تهران - ۱۳۳۸
- ۱۴- خرده اوستا - تفسیر و تألیف استادپورداد - بمبئی - مهر ماه ۱۳۱۰ شمسی